

حسین شکیب راد، زهرا قربانی، سید سپهر جمعه زاده، عطیه ضرابی، امیرحسین علی نیافر، فاطمه کریمی، محمد طائب، محمد کفیلی، امیرعلی حبیبی، اسما آزادیان و زهرا عزیزی.
با تشکر از گروه امداد جزیره احسان نوری نجفی و محمد صادق باطنی. **گرافیکست:** محمد طائب
صفحه آرا: محمد لوری آبکنار و حسین ناصری



جمع

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۳۶ ■ ۲۰ بهمن ۱۴۰۱

نوجوان
جام جم



سید سپهر
جمعه زاده

۸

#FreeHakim

شما که این گونه احوالات این وکالت دهندگان را نقد می کنید، نظریه و نسخه مطلوب خود را در باب حکمرانی و نیز نظریه فلسفی سیاسی خود را در این باب شرح دهید! حکیم در پاسخ به آنها عارض شد: «ببینید درست است که بنده در همه امور باسواد هستم اما واقعا در سیاست حتی به قدر رضا پهلوی هم سرم نمی شود! بنده اما با همه بی سوادی ام در این حوزه مطمئنم طرفدار این فرد بودن اشتباهی مهلک است و کسانی را که از مدل سلطنت استبدادی دفاع می کنند، عمیقا نمی فهمم. همین!»



کرده اند به قدری هست که تا ابدالدهر آقای پهلوی لازم نباشد دست به کار کردن بزند و تنها همان بهتر است بنشینند در منزل و از ارتش خیالی خود سان ببینند! این آقای شاهزاده! تا کنون از روش حکمرانی استبدادی و سراسر ضد آزادی پدر و پدربزرگش دفاع کرده و هیچ انتقادی ولو یواش و محض از سر خود باز کردن، به مشی حکومت غلط آنها نداشته است؟ چطور می شود مدعی آزادی و دموکراسی بود اما در برابر نقض دموکراسی و نابود کردن دستاوردهای نهضت مشروطه توسط شاهان پهلوی در ایران معاصر سکوت کرد؟ عجیب است که ما یک چیزی در تاریخ داشته ایم به نام ساواک، ساواک یک چیزی است دقیقا مقابل آزادی! حتی خود ساواک و روسای وقت هم به این معنا معترف و مفتخرند که اجازه نمی دادند حتی کسی در منزلش به حاکمیت نقدی کند، حال چگونه ممکن است رضا پهلوی بدون هیچ گونه نقدی به این ساختار تنها به تظہیر گذشتگانش می پردازد؟ این فقط می تواند به نظر من حاصل مخلوط مصرف کردن یا بیجا مصرف کردن یا درجا مصرف کردن باشد! بعد از این بیانیه عده ای از خبرنگاران از آقای حکیم پرسیدند:»

را از حکیم منتشر کردند و زیرش نوشتند: «شکنجه شدن حکیم به دست ماموران!» و همین طور هشتگ #FreeHakim را در توییتر ترند کردند. بعد از این غائله هولناک حکیم توانست سری از آستین بیرون آورد و اصلا بفهمد چه خبر است. او بعد از مذاقه نهایی متوجه شد اول آن جماعت متوهم دارند به رضا پهلوی برای تعیین سرنوشت خود رای وکالت می دهند و ثانیاً تعداد کل این رای های وکالتی، از آرای ستیلا و انیسادر عصر جدید نیز کمتر شده است! به این بهانه حکیم به فکر عمیقی فرو رفت و بیانیه سیاسی خود را که در ادامه می خوانیم، در رسانه ها منتشر کرد و آن وکالت را هم که مدعیان آزادی به زور از او گرفته بودند، پس گرفت. «به نام خدا، اساسا چگونه ممکن است بخشی از جامعه ولو قلیل طرفدار فردی شوند که اول و آخرش با مفهوم سلطنت و بالانشینی گره خورده است. چگونه ممکن است افرادی طرفدار نظام پادشاهی باشند؟ آن هم سلطنت پادشاهانی که هیچ ارجحیتی بر دیگری ندارند، خوب است هنوز آثار بالانشینی همین شاهزاده در کاخ های نیواران و گلستان و... قابل مشاهده است، درست زمانی که بخش کثیری از جامعه به خاطر گرسنگی سنگ به شکم می بستند، این شاهزاده در اتاقش کلکسیون سنگ های قیمتی ترتیب داده است! میزان اموالی که همین خانواده از ایران خارج

دائم فریاد می زد من اصلا از کسی ارث نبردم که بخواهم وکالت دهم! اما خب آن آدم ها با شعارهایی چون «آزادی عقیده، از حقوق حکیم» و همین طور «تا حکیم حکیم نشود» این حکیم حکیم نشود! آقای حکیم را داشتند مجبور به رای دادن می کردند. حکیم اما در همین اثنا از آنها پرسشی فلسفی نمود. او گفت: «آیا شعار شما آزادی نیست؟» همه گفتند بله. حکیم ادامه داد: «آیا من اختیار خودم را دارم؟» همه پاسخ دادند بله. حکیم ادامه تر داد: «آیا من در این که به کسی وکالت بدهم یا نه هم، آزادی دارم؟» همه گفتند بله. لذا حکیم گفت: «قریبون آدم چیز فهم! خب بذارید من برم. نمی خوام!» بعد از این جمله، اما همان افراد به سمت حکیم با شعار آزادی به حمله کردند و طوری از او وکالت گرفتند که جای وکالتی حکیم تا مدت ها درد می کرد! دست آخر هم فیلم این وکالت گرفتن سخت و خشن خود

حکیم همان گونه که طبق معمول در همه عالم سیر می کرد و به هر در و داری سر می زد و با هر نوع انسان و مخلوقی نشست و برخاست داشت، این بار هم سر از گوشه ای درآورده و دیده بود عده ای دارند رای جمع می کنند. وقتی از آنها پرسید دقیقا دارید چکار می کنید؟ آنها پاسخ دادند داریم وکالت می دهیم! حکیم گمان برد احتمالا تعدادی ورثه دارند وکالت می دهند به شخص دیگر تا برای آنها ارث را بدون اسقاط کافه خیارات خصوصا خیار غبن ولو فاحش، تقسیم کند. اما وقتی بیشتر توجه کرد متوجه شد آن جماعت سن شان و چهره هایشان به ورثه نمی خورد بلکه بیشتر به افرادی شبیه اند که ارث پدرشان را بالا کشیده اند! شاکی و عصبی. حکیم در همین حالات و روحیات به سرمی برد که یکی شان رسید و خواست تا حکیم را مجبور به وکالت دادن کند. حکیم از همه جابی خبر

موسسه فرهنگی - مطبوعاتی جام جم، برگزار می کند



مدرسه ی تربیت منتقد، به عنوان اولین و جامع ترین مرکز تربیت تحلیلگران و منتقدین سینما، با **شناخته شده ترین مدرسین سینما،** قصد دارد، کارشناسان، منتقدان و روزنامه نگارانی را پرورش دهد تا بتوانند درست فیلم ببینند و عمیق و دقیق، آن را تحلیل کنند.

برای ثبت نام فایلی شامل مشخصات، مهارت ها، سوابق و نمونه کارها (در صورت وجود) را به نشانی QR کد زیر ارسال فرمایید.

جهت کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام لطفا با شماره ۰۲۱۲۳۰۰۴۱۰۷ تماس بگیرید.



برای ثبت نام اسکن کنید



آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده شرکت تعاونی مفید یاران پویا (نوبت دوم)

با توجه به عدم حصول حدنصاب قانونی شرکت کنندگان در مجمع نوبت اول از کلیه سهامداران دعوت می شود در مجمع نوبت دوم که در روز **سه شنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۲** ساعت **۱۵** به آدرس: بزرگراه نواب صفوی، تقاطع آذریباجان، برج سهیل طبقه دوم، واحد **۲۰۴** برگزار می گردد شرکت نمایند.

ضمنا متقاضیان اعطای نمایندگی می بایست به همراه نماینده خود تا تاریخ **۱۴۰۱/۱۲/۰۱** در آدرس فوق حاضر تا پس از احراز هویت برگ ورود به مجمع دریافت دارند.

دستور جلسه:

- طرح و تصویب اساسنامه جدید مطابق اساسنامه ابلاغی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
- اصلاح ماده ۲۶ اساسنامه و افزایش تعداد اعضا علی البذل هیات مدیره از ۲ نفر به ۳ نفر
- تغییر آدرس دفتر شرکت

هیات مدیره

برگ سبز و سند کارخانه خودرو سمند
SOREN EF7+ مدل ۱۴۰۰ به رنگ مشکی
متالیک شماره انتظامی ایران ۵۱-۵۶۹ ص ۴۲
شماره موتور 147H0591283 شماره شاسی
NAACS1HE5MF909859 به نام چیمین
رحمانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و برگ کمپانی خودرو هایما ۵۷
مدل ۱۳۹۷ به رنگ مشکی - متالیک
شماره انتظامی ۲۹۵ هـ ۸۶ ایران ۵۳ شماره
موتور 484QT81000036A شماره شاسی
NAAD39120JY737361 به نام سمانه فتح
قریب پیدگلی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز سواری سایا ARIO مدل ۱۳۹۴ رنگ
سفید شماره موتور TNN4G15AE0003110
شماره شاسی NAS321100F4900454 شماره
پلاک ۱۴۴ ص ۶۹ ایران ۴۶ به نام فاطمه
حقیقی سرودنانی مفقود گردیده و فاقد
اعتبار است.